

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

علی صدارت
۲۵ نومبر ۲۰۱۳

**ابهام در لائیسیته و نیاز به شفاف‌گردانی این و سایر مفاهیم مردم‌سالاری:
اعلامیه جهانی لائیسیته به مناسبت یکصد و هشتمین سال‌گرد قانون لائیسیته.**

۲

اطلاعیه جهانی لائیسیته در قرن بیست و یکم:

مقدمه:

در تمدن دنیای مدرن امروزه، به میزان قابل توجهی تکاثر در دین و اخلاقیات وجود دارد و مشخص است که دشواری آفرینش یک جامعه متوافق و هم‌ساز در میان تمام افراد باید برآورده شود. ما نیاز داریم که به متفاوت بودن ادیان مختلف و اعتقادات فلسفی (مانند آتئیسم «خدا ناباوری» و آگنوستیسیزم «ندانم‌گرایی») احترام بگذاریم و حامی برقراری گفت و گوهای دموکراتیک و خشونت‌زدا در همه زمانها باشیم. مردم امروزه بسیار بیشتر به حقوق ذاتی خود عارف هستند؛ بنابراین دولت در حالی که سعی می‌کند تمام شهروندان در زندگی در کنار همدیگر و کار کردن با هم یک پارچه و همبسته شوند، باید ضامن باشد که حقوق و باورهای افراد محترم شمرده شود.

به این دلیل، ما، دانشگاهیان و شهروندان دنیا، اعلامیه ذیل را نوشته‌ایم و امیدواریم که منجر به گسترش بحث‌های آزاد شود و آفرینش این دشواری بتواند به وقوع بپیوندد. این اطلاعیه در چهار قسمت کلیدی تقسیم شده است:

۱- اصول بنیادین.

۲. لائیسیته به عنوان اصل بنیادین دولت.

۳. مباحثه‌ها در باره لائیسیته.

۴. لائیسیته و چالشهای قرن بیست و یکم.

۱ - اصول بنیادین:

بند اول: اصل بنیادین ۱ - احترام به حقوق بنیادین فردی و گروهی آزادی بیان و پرستش

اصل اول: هر بشری صرف نظر از جنس، نژاد، رنگ یا باور دارای حق آزادی بیان و آزادی وجدان است چه به صفت فردی و چه به شکل جمعی، و حق دارد به عقاید دینی و فلسفی (مانند آتئیسم و آگنوستیسیزم) مورد انتخاب خود بپردازد.

دولت به مثابه یک بنیاد مردمسالار باید به این حقوق احترام بگذارد و آنها را پاسداری کند.

بند دوم: اصل بنیادین ۲ - تفکیک دولت از نهادهای دینی و عقاید فلسفی

اصل دوم: دولت در موقع وضع قوانین باید بی‌طرف بماند و نباید جانب یک عقیده دینی را در مقابل سایرین بگیرد؛ و باید در همه زمانها پاسدار حق سایر گروههای مختلف برای شرکت در این مباحثه باشد. استقلال دولت حاکی از آن است که قانون مدنی باید از اعتقادات دینی جدا نگاه داشته شود. گروههای مذهبی می‌توانند آزادانه در مباحثه شرکت کنند: ولی آنها به هیچ وجه نباید سعی کنند که به جامعه اصول مشخص و مراسم و سلوک خود را تحمیل کنند.

بند سوم: اصل بنیادین ۳ - نفی تبعیض (مستقیم و غیر مستقیم) بر علیه انسانها

اصل سوم: این برابری نباید مطالبه‌ای نظری ادراکی باشد، بلکه باید به آن قاطعانه عمل شود و در زندگانی روزمره سیاسی به اجراء درآید.

حقوق مدنی افراد باید محترم شمرده شوند، صرف نظر از باورهای فلسفی و دینی آنها. اگر شرایطی پیدا شود که این محترم شمردن دیده نشود، بایستی راهحل مناسب ("سازگاری‌های معقول") مابین سنت‌های عمده ملی و اقلیتها اعمال شود تا موقعیت موجود تصحیح گردد.

۲. لائیسیت به عنوان یک اصل بنیادین دولت:

بند چهارم:

اعلامیه جهانی لائیسیت را به معنی همسازی مابین افراد با ریشه‌های متفاوت جغرافیائی و فرهنگی در سه اصل فوق تعریف می‌کند:

- احترام به حقوق بنیادین فردی و گروهی آزادی بیان و پرستش

- تفکیک دولت از نهادهای دینی و عقاید فلسفی

- نفی تبعیض (مستقیم و غیرمستقیم) علیه انسانها

بند پنجم:

لائیسیته طبیعتاً وقتی بروز خواهد کرد که یک دولت و یا یک کشور خود را از هرگونه عقاید دینی جدا کند و به شهروندان اجازه دهد که از راه به بحث آزاد گذاشتن این موضوع، حقوق بنیادین سیاسی خود را عملی کنند.

هر دولت پیشروی که به عقاید اجتماعی و اخلاقی و دینی گوناگون شهروندان خود احترام می‌گذارد، به سادگی می‌تواند این روند را سازمان دهد و باعث شکوفا شدن لائیسیته شود.

بند ششم:

لائسیته در پیشبرد مردمسالاری نقشی حیاتی ایفاء می‌کند.
لائسیته به واسطه ساختار سیاسی و قانونی خود، موجب به رسمیت شناخته شدن حقوق ذاتی بشر و یک پارچگی گونه‌گونی‌های درون سامانه‌های اجتماعی و سیاسی می‌گردد.

بند هفتم:

واژه لائسیته به فرهنگ، ملیت یا قاره خاصی متعلق نیست.
لائسیته در هر فرهنگی که از این واژه در گذشته استفاده نشده می‌تواند موجود باشد.
گونه‌ای از شکل یا روند لائسیته با تمام مفاهیم و مشخصات آن ولی با اسمی دیگر، ممکن است در زمان حال و یا در گذشته در میان ملیتها و تمدنها، وجود داشته باشد.

۳. مباحثه‌ها پیرامون لائسیته

بند هشتم:

آداب و رسوم شایع مانند تقویم دینی، تشریفات رسمی کفن و دفن، یادواره‌های مدنی، که بازتابی از میراث تاریخی هستند، نباید به صورت کنش‌های غیرقابل انعطاف و غیرقابل جابه جایی قلمداد شوند، به خصوص اگر که جامعه چندفرهنگی باشد. آنها باید در کانون مباحثه مسالمت‌آمیز درباره لائسیته قرار بگیرند.

بند نهم:

آزادی حقوق که زمینه‌ساز لائسیته است، نباید فقط به دین و سیاست محدود شود بلکه به سایر امور اجتماعی مانند جنسیت، زندگی و مرگ، حقوق زنان، تحصیلات کودکان، ازدواج‌های مختلط، اقلیتهای دینی و غیردینی، خداناباوران و منتقدین دین را شامل می‌شود.

بند دهم:

یک تعادلی میان سه اصل لائسیته راهگشا خواهد شد به مباحثه درباره این که چگونه مردم می‌توانند آزادانه به عقاید دینی و فلسفی خود بپردازند.
این مباحثه همچنین به رویه تلاش باورمندان به دینی را برای گرواندن فرد دیگری به معتقدات خود، تأثیر دین در زندگی روزانه و این که چگونه افراد خود را به این نیازمندی‌ها تطبیق می‌دهند را مورد بحث قرار خواهد داد.

بند یازدهم:

مباحثه‌ها بر روی این موضوع‌ها به این سؤال‌ها کشیده خواهد شد: دولت چگونه عمل می‌کند، هویت دولت، قوانین بهداشت عمومی و کشمکش‌های بالقوه مابین قانون مدنی و آزادی انتخاب.
در هیچ کشوری یک روند کاملاً مطلق لائسیته نمی‌تواند موجود باشد و از آن مهمتر روند لائسیته بسته به هر کشوری به گونه‌ای مختلف اعمال خواهد شد.

بند دوازدهم:

تجسم حقوق ذاتی بشر از زمانی که در اواخر قرن هژدهم برای اولین بار ابتکار شدند تحولات عظیمی کرده است. لائیسیتیه فحوای مابین حقوق ذاتی بشر، مانند برابری، و منزلت انسان را مورد بحث قرار می‌دهد. به هر حال، امروزه لائیسیتیه با مشکلاتی روبه‌رو است در رابطه با جایگاه حقوقی خاصی که دارد، با اختلاف نظرهای مابین قانون و باورهای دینی، از سازگاری مابین حقوق والدین و چیزی که پیمان‌نامه‌های بین‌المللی "حقوق کودکان" و همچنین حق "کفرگوئی" می‌خوانند

بند سیزدهم:

در بعضی کشورهای دموکراتیک که روند لائیسیتیه برای بسیاری از شهروندان حاصل است، طرح هر سؤالی که چه تغییری در شیوه‌ای که آنها قبلاً با آن خو گرفته‌اند لازم است، منجر به اضطراب می‌گردد. هرچه روند ابتدائی لائیسیتیه طولانی‌تر باشد مقاومت برای تغییر عمیق‌تر است. دگرگونی‌های اجتماعی در حال وقوع هستند و لائیسیتیه باید خود را با این تغییرات مطابقت دهد و تمام گروه‌های ذی‌حق باید برخوردی با دید باز و نه بسته، با آن داشته باشند.

بند چهاردهم:

در هرکجا لائیسیزاسیون اتفاق افتاده است، به لحاظ تاریخی آن عصر تطابق پیدا کرده با زمانی که سنت‌های افراطی دینی نقش عمده‌ای در زندگی اجتماعی بازی کرده است. موفقیت این روند به پیوند یافتن گزینه شخصی و فردی کردن باورهای دینی راه باز کرده است. به عکس چیزی که بعضی از آن می‌هراسند، لائیسیتیه به معنای حذف دین نیست بلکه به معنی آزادی هر کس در انتخاب باور است. هر زمانی که لازم گردد، لائیسیتیه بیانگر جدائی متن دینی از نظام اجتماعی و سیاسی است.

بند پانزدهم:

به عقاید دینی و فلسفی به عنوان ذخایر فرهنگی نگریسته می‌شوند. لائیسیتیه در قرن بیست و یکم باید یک همسازی مابین چندگونگی فرهنگی و مابین یگانگی اجتماعی و سیاسی، را روا و مجاز بداند، درست همان‌گونه که به لحاظ تاریخی لائیسیزاسیون جوامع مجبور بود چندگونگی دینی و دولت را آشتی دهد. پیدایش گونه‌های جدیدی از اعتقادات دینی، چه نوعی "من‌درآوردی" از رسم، از عقیده دینی و غیردینی، از بیان‌های جدید و تا یک حد از بیان‌های بنیادگرایی دینی باشد، باید بررسی شوند. در یک سیاق فردی‌سازی دین، این مهم است که دشواری محدود کردن پنداشت دین را در خود پرستش درک نمود و این که چرا لائیسیتیه می‌تواند یک حوزه عمومی برای زندگی هماهنگ پیشنهاد کند.

بند شانزدهم:

این باور که فقط پیشرفت علمی و فنی می‌تواند به پیشرفت اخلاقی و اجتماعی راه یابد، حالا افول کرده است. این واقعیت آینده را حتی بیشتر نامطمئن گردانده و منجر به مباحث مبهم سیاسی و اجتماعی با یک دستورالعمل مشوش شده است.

ما امروز به خاطر وابستگی بیش از حد نزدیک به اصول گذشته، در خطر هستیم. ما باید به اتفاق همدیگر در مسیر خود برای کشف روش‌های جدید سیاسی و اجتماعی برای کمک به ساختن یک روند لائیسیتۀ خلاق باشیم.

بند هفدهم: دشواری دولت

انواع روشهای لائیسیزاسیون با مراحل مختلف توسعه دولت مطابقت داشت که بسته به این که دولت فدرال و یا متمرکز باشد فرق می‌کرد.

ابداع دولت "قدر قدرت" و جدائی از نظام قانونی راه را برای چشم‌انداز جدید گشوده است. دولت به جای افول تغییر کرده است: نقش خود را به عنوان "دولت خداصولت/مشیت‌مند" که خیلی کشورها داشتند، از دست می‌دهد.

در حال حاضر دولت به حوزه‌هایی دست‌اندازی می‌کند که تا همین اواخر "ممنوعه" تلقی می‌شدند و بیشتر به نیازهای امنیتی می‌پردازد که در این میان بعضاً ممکن است آزادی‌ها را تهدید کنند. ما در نتیجه باید ارتباطات جدیدی مابین لائیسیتۀ و عدالت اجتماعی خلق کنیم که آزادیهای فردی و جمعی را ضمانت و افزون کنند.

بند هژدهم:

ما باید هوشیارانه مواظب باشیم که لائیسیتۀ قربانی روند خود نشود که تبدیل به یک دین "سکولار" بگردد. فراگیری اصول لائیسیتۀ می‌تواند به ظهور صلح در بین شهروندان بینجامد. به لائیسیتۀ نباید به عنوان دین‌سنجی و یا برخورد و واکنش ناهویدا به دین نگریسته شود. به جای آن به لائیسیتۀ باید به عنوان یک رویۀ پویا و خلاق نگریست که یک راحل دموکراتیک به معضلات قرن بیست و یکم ارائه می‌کند، و نیز به عنوان یک رویۀ اساسی که به چه شکل به چنگ‌ونگی به عنوان یک گنجینه و نه یک تهدید باید نگریسته شود.